



شماره ۲۱

الها معبودا مسجودا

این مشت خاک را از اهتزاز کلمه مبارکه منع نما و از حرارت - محبت محروم سازد ریا‌های عالم بر رحمت محیطهات شاهد و گواه و آسمانها بر رنعت و عظمت مقرر و معتبر ای در بای کرم قطره‌ای به شطرت توجه نموده‌وای آفتاب جود وجود جودت را طلب کرده هستیت مقدس از دلیل و برهان و استوائت بر عرش منزه از ذکر و بیان . رجای افنده و قلوب و ارتفاع ایادی نفوس بر بخشش گواهی است صادق و شاهدهی است ناطق چه که اگر کرم نبود دست ارتفاع رانمی آموخت . تراب چه و ارتفاع چه ای کریم نیر رحمت از افق هر شیء ظاهر و نجم عطایت از هر شطری ساطع . محتاجان بابت عطا رامی طلبند و عشاق رویت لقای را چون خلق از تو و امید مکنونه قلب از تو . سزاوار آنکه امام و جوه اغیار، محرمان کویت رابه طراز جدیدی مزین نمائی و به اسم بدیع فائز فرمائی . تویی آنکه از ارادهات ارادات عالم ظاهر و از مشیت مشیات امم نافذ . رجای از قلوب طالبانت قطع نشده و نمیشود . گواه این مقام کلمه مبارکه (لَا تَقْنَطُوا) . ای کریم عبادت در بحر نفس و هوی مشاهده میشوند . نجاتت را آمل و بخشش‌های قدیمت را سائل . تویی قادر و توانا و معین و دانا .

۱- مناجات	الها معبودا مسجودا
۲- آثار مبارکه	ای حسین بذکرالله مانوس شو
۳- کلمات مکنونه	ای بیگانه بایگانه
۴- مبادی روحانی	تعلیم و تربیت عمومی و اجباری
۵- تاریخ	ورود هیکل مبارک به گلیبولی
۶- احکام	شرکت در مشارق اذکار . . .
۷- حیات بهائی	تأثیرات دعا و مناجات
۸- تاریخ ادیان	بخش اول : د و آئین کهن در خاور و ور
۹- معرفی آثار مبارکه	مقدمه - کتاب ایقان
۱۰- راهنمای زندگی	جلوه‌هایی از حیات عنصری جمال اقدس ابهی و حضرت عبدالبهاء درس اول
۱۱- زبان عربی	

حضرت بهاء الله میفرمایند :

"ای حسین بذکر الله مانوس شو و از دوش غافل چه که ذکرش انیسی است بی نفاق و مونس است با کمال وفاق میهمانیست بی خیانت و همد می است بی ضرر و جنایت . مجالسی است امین و مصاحبی است با ثبات و تمکین رفیقی است با وفا بشأنی که هر کجا روی با تو آید و هرگز از تو نگسلد غم را بسرور تبدیل نماید و زنگ غفلت بزداید . الیوم یومی است که کلمه جَذْبِیْهِ الهیه مابین - سموات و ارض معلق و جذب میفرماید جواهر افنده ممکنات را . . ."

در ریای دانش ص ۱۲۹

ای بیگانه با بیگانه

شمع دلت برافروخته دست قدرت من است آنرا بیاد های مخالف نفس و هوای خاموش مکن و طبیب علت های توذکر من است فراموشش منما حُب مرا سرمایه خود کن و چون بصروجان عزیزش دار

عَلَّتْ : بیماری جمع : عِلَل

بصر : چشم

یگانه : خداوند یکتا و بهمانند

"طبیب جمع علت های توذکر من است . . ." بیان مبارک فوق در باره اهمیت دعا و مناجات است جمالقدم در کتاب مستطاب اقدس

میفرمایند :

"أَتْلُوا آيَاتِ اللَّهِ فِي كُلِّ صَبَاحٍ وَمَسَاءٍ إِنَّ الَّذِي لَمْ يَتَلَّحْ بِوَفِّ بَعْدِ اللَّهِ وَمِيثَاقِهِ . . ."

مضمون بیان مبارک بفارسی چنین است .

تلاوت کنید آیات خداوند را در هر صبح و شام کسیکه تلاوت نکرد وفا نکرد هاست بعهد و میثاق الهی . . . و در تبیین این حکم مبارک در رساله "سؤال و جواب میفرمایند : "مقصود ، جمیع ما نُزِّلَ مِنْ مَلَكُوتِ الْبَيَانِ است . . ."

حضرت عبدالبهاء میفرمایند :

" . . . دعا واسطه ارتباط میان حق و خلق است و سبب توجه و تعلق قلب هرگز فیض از اعلی بادی بدون واسطه تعلق و ارتباط حاصل نگردد این است که بنده باید بد رگه احدیت تضرع و ابتهال نماید و نیاز آرد . . ."

أَعْلَى : مرتبه بالاتر - کنایه از عالم الهی ، ملکوت

أَدْنَى : مرتبه پائین تر - کنایه از عالم بشری ، ناسوت

مبادی روحانی تعلیم و تربیت عمومی و اجباری

تعلیم و تربیت یکی از مهمترین مسائل اجتماعی عصر حاضر — میباشد . پیشرفت و توسعه اجتماع بدون توجه خاص بدین مسأله امکان پذیر نیست . امروزه بودجه‌ای که از منابع مالی و درآمد هر کشور صرف تعلیم و تربیت میشود رقمی بس عظیم میباشد و این نشانه — توجهی است که صاحب نظران و کارشناسان عالیمقام پیروش و آموزش نوجوانان و جوانان معطوف میدانند .

اصل تعلیم و تربیت عمومی و اجباری که امروزه اینقدر بدان اهمیت داده میشود سالها قبل از قلم جمال‌القدم بعنوان یکی از تعالیم اساسی دیانت بهائی نازل گشته و نیز لازمست اضافه گردد که در هیچیک از کتب ادیان گذشته تا بدین حد بتعلیم و تربیت توجه نشده است .

از جمله حضرت بهاء الله در لوح اشراقات میفرمایند :

"اشراق هتتم قلم اعلی کل را وصیت میفرماید بتعلیم و تربیت

اطفال . . ."

و نیز میفرمایند : "چه بسیار اطفال که در ارض بی آب و امّ مشاهده میشوند اگر توجهی در تعلیم و اکتساب ایشان نشود بی ثمر خواهند ماند و نفس بی ثمر موتش ارجح از حیات او بوده و خواهد بود ."

ص ۱۲ منتخبات آثار در باره تعلیم و تربیت

آثار مبارکه در باره تعلیم و تربیت بسیار است و شش عنوان زیر

خلاصه‌ای از آنها میباشد :

الف — تعلیم و تربیت فرزندان در دیانت بهائی امری است عمومی

و اجباری :

باتوجه به حکم مبارک نازل در کتاب اقدس "کُتِبَ عَلَی کُلِّ اَبٍ — تَرْبِیَةُ اَبْنِهِ وَبِنْتِهِ . . ." که در ص ۱۹ نشریه شماره ۱۷ قبل از مطالعه شده این اصول استنتاج میگردد :

۱ — بر هر پدری تربیت پسر و دختر و تعلیم آنان در خواندن و فرا — گرفتن علوم فرض و واجب است .

۲ — چنانچه اولیای اطفال از این وظیفه کوتاهی نمایند بر امنای الهی است که در تعلیم و تربیت اطفال اقدام نمایند و مخارج آنرا از پدر اخذ کنند .

۳ — چنانچه پدری استطاعت آنرا نداشته باشد هزینه آن از طرف بیوت عدل پرداخت خواهد گردید .

برطبق تعالیم دیانت بهائی تعلیم دختر و پسر هر دو واجب است حتی بتربیت دختران اهمیت بیشتری داده شده چنانکه حضرت عبدالبهاء میفرمایند :

"اول تکلیف یاران الهی و اما رحمانی آنست که بهائی و جِه کَانَ در تربیت و تعلیم اطفال از ذکور و اناث کوشند و دختران مانند پسرانند ابداً" فرقی نیست جهل هر دو مذموم و نادانی هر دو نوع مبغوض . . . اگر بدیده حقیقت نظر گردد در تعلیم و تربیت دختران

لازمتر از پسران است زیرا این بنات وقتی آید که ماد رگردد و اولاد
پرور شوند و اول مرتبی طفل ماد راست . . ."

پیام ملکوت ص ۲۲۱

ب - توجه به تدبیر اولاد بعنوان مبنای تربیت:

جمال مبارک میفرمایند :

دارالتعلیم باید در ابتدا اولاد را بشرايط دین تعلیم دهند
تا وعد و وعید مذکور در کتب الهی ایشان را از مناهی منع نماید و
بطراز اوامر مزین دارد و لکن بقدری که به تعصب و حمیه جاهلیه
مُنَجَّر و مُنْتَهی نگردد .

کلمه الله در ورق هشتم از کلمات فرد وسیه

از بیان مبارک نتیجه میگیریم :

- ۱- تعلیم و تربیت اطفال بایستی بر مبنای دینت و کسب روحانیت
استوار گردد .
- ۲- تمسک با اخلاق و تعالیم مبارکه با تعصب کور کورانه که نهی گردیده
متفاوت است .

ج - عقیده دینت بهائی در باره عوامل و اثرات تربیت:

دینت بهائی معتقد است در وجود کسی بدی بنیاد نهاده
نشده و هر چه هست خیر است و شرّ عدّ مخری است .
این اصل ضمن بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء در مفاوضات روشن
شده و خلاصه آن اینست :

"در اصل ایجاد الهی و فطرت و استعداد او خلقی بشر شریست
بلکه تمام خیر است منتهی بتفاوت مراتب و شرّ امر عدّ می است . . ."
دینت بهائی سه عامل : فطرت، ارث و اکتساب را در مراحل تربیت
یک فرد مؤثر می شمارد ولی تربیت اکتسابی را دارای تأثیر عظیم
میداند .

د - انواع تربیت:

دینت بهائی به تربیت جسمانی - تربیت انسانی و تربیت
روحانی اهمیت داده شده است .

مقصود از تربیت جسمانی امور مربوط به تغذیه، سلامتی و رفاه
میباشد . تربیت انسانی عبارت از امور مربوط به علوم و فنون و صنعت
و تجارت است و تربیت الهی مقصود تربیت ملکوتی است و کسب
کمالات الهیه .

ه - دوره های مختلف تعلیم و تربیت از نظر دینت بهائی:

- بامطالعه الواح و مکاتیب حضرت عبدالبهاء دوره های مختلف
تعلیم و تربیت بشرح و ترتیب زیر خلاصه میگردد :
- (۱) دوره کودکستانی که ضمن آشنائی با آداب باروش خاص و با
استفاده از وسائل بازی تعلیم حروف و کلمات می بیند .
 - (۲) دوره بستان: آموختن آیات الهی و خواندن و نوشتن و
علوم ابتدائی
 - (۳) دوره فراگیری علوم .

ورود هیکل مبارک به گلیبولی

آنحضرت وعائله مبارکه و همراهان پس از ورود به گلیبولی سه روز اقامت فرمودند چند نفر از اعیان مخلص در این محل موفق بزیارت آنحضرت گشتند از جمله جناب حاج محمد اسمعیل ذبیح کاشانی (برادر جناب حاج میرزا جانی شهید) که حامل لوح رئیس قسار گرفت و او را در آن لوح مبارک بلقب "آنیس" و "ذبیح" یاد میفرماید: بعد از چند روز اقامت آنحضرت و همراهان در گلیبولی عصر روز اول ماه جمادی الاولی از سال ۱۲۸۵ بکشتی سوار شده و روز دیگر حضرت بهاءالله وعائله مبارکه و همراهان که جمعا هفتاد نفر بودند به بندر ازمیر رسیدند و دو روز در این جا توقف فرمودند در این محل یکی از همراهان جناب میرزا آقا کاشانی ملقب به منیب چون سخت مریض بود کاپیتان کشتی سخت گیری نمود از یزیدیرتن ایشان عذرخواست لذا ناچار آنجناب را پیاده نموده بشهر بردند و در رمیضخانه بجهت معالجه و مداوا خوابانیدند ولی اوبعداً در همانجا صعود نموده و در ازمیر مدفون شد . . .

از ازمیر کشتی حرکت نموده باسکندریه رسید در آنجا مأمورین دولتی همراهِ آن کشتی به کشتی دیگر منتقل نموده بسمت حیفا حرکت دادند .

ورود به حیفا

در حیفا کشتی حامل آنحضرت و همراهان لنگر انداخته و توقف

- (۴) دوره تحصیلات عالی .
- (۵) کسانیکه موفق به تحصیل دوره های عالی نشوند اموزنی و - صنعتی را در رس خاص بیاموزند .
- (۶) بعد از این دوره هر کس مطابق ذوق و سلیقه خود به تجارت - صنعت و معارف و سایر کارهای مفید به نوع انسان بپردازد .
- و - وحدت اصول و قوانین تربیت :
- از نظر دیانت بهائی اصول تربیت در تمام جهان باید یکسان گردد تا مقدمه ای برای وحدت عالم انسانی باشد خطابه حضرت عبدالبهاء در آمریکا این موضوع را بخوبی بیان مینماید .
- "تعلیم هشتم حضرت بهاءالله: تربیت عموم لازمست و وحدت اصول و قوانین تربیت نیز از الزام امور تا جمیع بشر تربیت واحد گردد - یعنی تعلیم و تربیت در جمیع مدارس عالم باید یکسان باشد و اصول و آداب یک اصول و آداب گردد تا این سبب شود که وحدت عالم بشر از صخر سن در قلوب جای گیرد .
- ص ۸۳ منتخبات نصوص در باره تعلیم و تربیت

نمود اول عائله مبارکه و سپس جمال مبارک بقایقهای کوچک سوار شده با سایر همراهان بساحل حیفا پیاده شدند همانگونه که از قبل ذکر شد چهار نفر از اتباع یحیی را که دولت مقرر داشته بود همراه حضرت بهاء الله به حیفا وارد کردند و پس از کمی توقف حضرت بهاء الله و همراهان را بوسیله قایق بسمت عکا حرکت دادند. هنگامی که میرزا یحیی و چهار نفر از احباب را به سمت جزیره قبرس حرکت دادند آقا عبدالغفار که یکی از آن چهار نفر بود از شدت احزان خود را از فراز گشتی بدریا انداخت ولی مأمورین او را بیرون آورده بقبرس حرکت دادند او عاقبت به روسیله ای بود خود را از آنجا نجات داده بسوی عکا شتافت.

ورود مبارک به زندان عکا

ورود آنحضرت و همراهان به شهر عکا روز ۱۲ جمادی الاولی از سال ۱۲۸۵ مطابق با ۳۱ اوت از سال ۱۸۶۸ میلادی است پس از ورود همرا به قشله عسکریه که محل حبس محکومین بوده برده و سربازها را به محافظت اطراف قراردادند و دستور داده شد طبق فرمان سلطان عثمانی احدی داخل و خارج نشود غرفه های مخروبه سربازخانه بر حسب دستور مبارک بین همراهان تقسیم گردید و هر عالمانی در حجره و محل خود قرار گرفتند. شب اول ورود بر آنحضرت و تمام مسجونین بسیار سخت گذشت زیرا وسایل راحت و آسایش و همچنین غذا و حتی آب گرمی در آنجا نبود و هیچکس راهم

اجازه خروج و تهیه آب و نان نمیدادند ولی حکومت عکا بعد از چند روز برای هرنفری چند قرص نان سیاه و مضاریف غیر قابل ذکری معین نمود و چندی نگذشت که تمام مسجونین مبتلا به تب و کسالت شدیدی گردیده و سه نفر از ایشان بنام های استاد محمد باقرو برادرش استاد اسمعیل خیاط و آقا ابوالقاسم سلطان آبادی در همان بدایت ورود سخت مریض شده بملکوت ابهی صعود نمودند. مقارن این وقایع احبای ایران که در چارمضیقه و اذیت و آزار و قتل و غارت از طرف متعصبین و حکام ظلم و جور بودند تدریجاً از محل نفی و حبس جمال مبارک مطلع گردیده پی در پی جهت زیارت حرکت نموده خود را به عکا می رسانیدند ولی چون حکومت سید محمد و آقا جان بیک (از پیروان یحیی ازل) راد رجحه فوقانی محبس که مواجه دروازه شهر بود سکونت داده و بآنها دستور داده بود هر کس از افراد احبا وارد شود فوراً آنها را خیر نمایند لذا مراقبت نمود بمجرد اینکه یکی از یاران وارد میشد حکومت را مطلع میکردند از این جهت احبا و دوستان که با هزاران زحمت و مشقت بقصد زیارت جمال مبارک به عکا وارد میشدند در اثر سعایت این دو نفر در چارمضیقه تعرض حکومت میگرددند با اینحال عده ای از احبا بجزم زیارت هیکل مبارک از ایران وارد شده و از ورای خندق و باروی شهر بزیارت جمال مبارک نائل میشدند چند نفری هم بزحمت وارد شهر و موفق بزیارت شدند از جمله: جناب حاج شاه محمد امین البیان

باتفاق حاج ابوالحسن امین اردکانی که توانستند در حمام مشرف گردند .

تدریجاً چند نفر از محترمین محل در قشله بملاقات آمدند و سوء تفاهمشان رفع گردید بدین سبب انس و الفتی حاصل شده گاهی محبت مینمودند و چند نفر از اعراب نیز ایمان آوردند و وسیله تشرف برخی زائرین را فراهم آوردند باین ترتیب عده ای از احباب این وسیله و وسائل مختلفه دیگر تشرف حاصل کردند و عرایض احباب را تقدیم نمودند و حامل الواح مبارکه جهت دوستان الهی شدند با این حال سید محمد و رفقای ایشان بجا سوسی مشغول و باماً مؤمن د ولتی مرتبط و فتنه و فساد بر میانگیختند و آنقدر در اعمال سیئه بشود اصرار ورزیدند و عرصه را بر مهاجرین تنگ نمودند تا عده ای از اصحاب محرمانه بقتل سه نفر از آن نفوس که همان سید محمد و آقا جان بیک و نصرالله تفرشی بودند اقدام کردند . در اثر این پیش آمد ولوله عظیمی برخاست و حکومت محل ، صبحی پاشا ، جمال مبارک را در مقر حکومتی احضار و استنطاق و حضرت عبدالبهاء را در لیمان حبس مبتلا نمودند و بیست و پنج نفر از اصحاب را نیز در زندان محبوس داشتند تا آنکه معلوم گردید آنحضرت و حضرت عبدالبهاء در این اقدام دستوری نفرموده و حتی اکثر اوقات احباب را نهی شد از تعرض و اذیت و آزار فرموده اند و چند نفری که دست باینکار زده بودند واضح شد که از مفاسد آنان بجان آمده اند و از پیش خود

مرتکب این عمل شده اند . از جمله نفوس مهمه ای که در ایام سجن عکا در سال ۱۲۸۶ مشرف گردید جناب میرزا بزرگ خراسانی فرزند جناب حاج عبدالمجید نیشابوری (بقیة السیف اصحاب قلعه) است که حامل لوح ناصرالدین شاه (نازله از قلم اعلی در ایام توقف در ادرنه) گردید و در الواح مبارک بلقب "بدیع" فائز شد و جوانی بود بسن هیجده سال با وجود استحضار یکبار از مخاطرات این رسالت داشت با شور و انجذابی بی نظیر بسمت ایران عزیمت نموده در نیاوران بدست خود لوح مبارک را بنام ناصرالدین شاه تسلیم کرد و به دستور شاه او را بحبس انداخته بشکنجه و عذاب او برداختند تا آنکه بعد از سه روز مرغ روحش از قفس تن نحیف ورنج دیدهاش نجات یافته و بملکوت الهی پرواز نمود . زیارت نامه مخصوصی از قلم مبارک در حق جناب بدیع نازل گردید و او را بلقب فخرالشهدا ملقب فرمودند .

الواح و خطابات بسلاطین و امراء

خطابات مهیمه حضرت بهاءالله بعنوان سلاطین و امراء و رؤسای ممالک از مهمترین آثار مبارکه است که در ایام توقف در اسلامبول و ادرنه و سجن عکا یعنی همان روزگاری که آئین نازنین الهی مورد انکار و اعتراض شدید مظاهرت وسطوت قرار گرفته بود و آنحضرت با شد بلایا و مصائب مبتلا و در آخر بلاد محصور و محبوس گشته بودند ، از قلم معجز شیمش نازل گردید و نبوات

مند رجهد رآنها بعضی د رحيات خود آن حضرت و برخی باندک —
 زمانی پس از صعود تحقق یافته و در یف بزرگترین علامات عظمت
 و دلائل قدرت آن هیکل مکرم قرار گرفته این آثار عظیم الواحی است
 که یا مستقیماً خطاب بسلاطین و امراء ممالک و رؤسای ادیان مرقوم
 گشته و یا در ضمن خطابات عمومی، آن نفوس مقتدره را قبول امر الهی
 دعوت فرموده اند و با بیاناتی مؤکد و صریح نصیحتی برای تشریت
 امور ملک و ملت و رعایت حال رعیت و ترک استبداد و خود سری فرموده
 همه را انداز نموده اند که هرگاه با این پیام آسمانی که موعود جمیع ادیان
 و مذکور در تمام کتب و صحف مقدسه است توجهی نکنند و التفاتی
 ننمایند مسوولیت شدید دامنگیر آنانی که زمام ملل و دول در
 کفراقتد ارشان است گشته عواقب شومی در انتظارشان خواهد
 بود .

سلاطین و رؤسای که در الواح و یاد ر کتاب اقدس مورد خطاب
 قرار گرفته اند عبارتند از ناپلئون سوم پادشاه فرانسه، سلطان عبد
 العزیز پادشاه عثمانی و عالی پاشا صدر اعظم آن مملکت و ناصر
 الدین شاه پادشاه ایران . و یلپلم اول پادشاه آلمان، الکساندر دوم
 امپراطور روسیه، ملکه ویکتوریا امپراطوریس انگلستان، فرانسوا
 ژوزف امپراطور اطریش، پی نهم پاپ اعظم رئیس مذهب کاتولیک و نیز
 علما و رؤسای ادیان و مذاهب متنوعه و سفراء دول خارجه و مأمورین
 ایران و عثمانی و رؤسای جمهور آمریکا در این الواح بیاناتی به

سبیل نصیحت و دلائل به خیر فرموده و در برخی موارد ایشان را به
 حوادث ناگوار آتیه متذکر داشته اند .

واقعه شهادت حضرت غصن اطهر

حادثه مُحَرَّزَه ای که بیش از تمام قضایا و بلائی وارد شده در ایام
 سجن اعظم سبب تأثر خاطر حضرت بهاء الله و عائله مبارکه و موجب
 حزن یار و اغیار گردید واقعه شهادت حضرت غصن اطهر بود
 ایشان موسوم به مهدی و برادر کَهْتَرِ صُلبی و بطنی حضرت عبدالبهاء
 بودند که از بد و طفولیت در بلائی وارد شده سپیم و شریک پدر بزرگوار
 شدند و شب و روز بخدمت قائم و بکتابت و تحریر آیات و الواح نازل
 مشغول گردیده و همیشه از مسدود بودن ابواب سجن و محرومیت
 احبانا لان و گریان بودند تا هنگامی که بر بالای بام قشله بمناجات و
 راز و نیاز مشغول و مشی میفرمودند ناگهان از بام بزیرافتاده و همینکه
 هیکل مبارک حضرت بهاء الله بالای سرا و حاضر گردیدند رجسای
 شهادت نمودند که ابواب سجن بر روی احبا گشوده شود استدعای
 او مورد قبول واقع و بعد از بیست و دو ساعت در سن بیست و دو سالگی
 روح پاکش از این جهان بعالم الهی صعود نمود و جسد مطهرش در
 قبرستان نبی صالح (Nabi Salih) مدفون گردید .
 حضرت ولی امر الله در لوح مخصوصی راجع به عظمت شهادت حضرت
 غُصْنِ اطهر چنین میفرمایند :

"... اِحیای عالم و اتحاد امم که از خصائص این د و رعظیم است و

اعلان وحدت عالم انسانی که اعظم و اول مبدأ این امر اقوم است و سراییده آن باید من بعد در قطب امکان پس از اتمام انقلابات حالیه جهان بر حسب نبوات انبیای عظام و بشارات مسطوریه در — الواح قیّمه مالک انام مرتفع گردد ، از برکت شهادت غصن مقدس ربّان جمال رحمن در عالم امکان تحقق خواهد یافت همچنانکه در اد و ارسابقه یعنی در دور حضرت ابراهیم ، اسمعیل و در دور حضرت مسیح نفس مقدّس آن حضرت و در دور قرقان حضرت سید الشهدا^۱ و در رکور بیان حضرت رب اعلی روحی لرشحات د مہم الا طہرفدا — حاضر و مہمای فد اجہت تطہیر و استخلاص اہل عالم گشتند و بقربانگاہ فد اشتافتند در این کورید یح حضرت غصن اللہ الا طہر بفرمودہ جمال قد مواسم اعظم جام شہادت را بنوشید تا باب لقا بر وجه اہل بہا مفتوح گردد . . . و وحدت عالم انسانی اعلان گردد و عالم ادنی آئینہ ملکوت ابہی شود . . ." (از توقیع مبارک ۲۵ دسامبر ۱۹۳۹)

تخفیف تضییقات و خروج از سجن

پس از وقوع شہادت جانگداز حضرت غصن اطہر عدہ ای از — اہالی عکا از این حادثہ نوق العادہ متأثر گردیدہ و از حکومت خروج آن حضرت و عائلہ مبارکہ و ہمراہان را از قشلہ نظام در خواست نمودند و ضمناً قشون دولتی نیز وارد عکا شدہ و چون محلی برای سکونت آن عدہ نہ داشتند قشلہ را برای توقف عساکر لازم شمردند لذا دستور رسید آن حضرت و ہمراہان را از آن محل خارج نمودہ و

در جای دیگر سکونت دهند ولی حق خروج از شہر را ندارند این بود کہ پس از مدت دو سال و دو ماہ و پنجروز کہ از توقف مبارک در سجن گذشت در سال ۱۲۸۷ از آن زندان خارج و باعائلہ مبارکہ در خانہ ای استقرار یافتند و سایر ہمراہان و اصحاب در — کاروانسرائی مسکن نمودند ولی از حیث منزل و مأوی در نہایت زحمت و عسرت بودند تا آنکہ بمنزل دیگری نقل مکان فرمودہ و بعد از تغییر و تبدیل چند منزل بالتسبہ آسودگی حاصل و بالاخرہ در — خانہ عبود نام تاجر مسیحی منزل فرمودند و تا آخر ایام اقامت مبارک در داخل شہر این خانہ محل سکونت جمال مبارک بود مدت ہفت سال نیز بدین منوال آن حضرت در منزل محبوس و تحت نظر — مأمورین دولت بسر بردند و در این مدت تدریجاً احباً اجازہ تشرّف حاصل نمودہ و بزیارت نائل میگرددند .

کتاب مستطاب اقدس شامل احکام و تعالیم الہیہ در ہمین

ایام در بیت عبود از قلم مبارک نازل گردید .

احکام شرکت جهت دعا و مناجات

در مشرق اذکار

جمال قدم در آرم کتاب باین بیان اَحْلَى نَاطِقِ قَوْلُهُ تَعَالَى :
 "طُوبَى لِمَنْ تَوَجَّهَ إِلَى مَشْرِقِ الْأَذْكَارِ نَبِيِّ الْأَسْحَارِ ذَاكِرًا" مُتَذَكِّرًا
 مُسْتَفِيرًا " وَإِذَا دَخَلَ يَقْعُدُ صَامِتًا لِاصْغَاءِ آيَاتِ اللَّهِ الْمَلِيكَ
 الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ " آیه ۲۶۴

مضمون آیه شریفه بفارسی چنین است:

خوشبحال نفسیکه در سحرگاهان با حالت تذکرواستغفار به
 مشرق الاذکار توجه نماید و وقتی که وارد شد از برای شنیدن آیات
 خداوند ساکت و آرام بنشیند .

جائز نبودن توبه و استغفار نزد عباد

در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی :

"لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَسْتَغْفِرَ عِنْدَ أَحَدٍ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَلْقَاءَ أَنْفُسِكُمْ إِنَّهُ
 لَهُوَ الْغَافِرُ الْمُعْطِي التَّوْبِ" آیه ۷۳

مضمون آیه مبارک بفارسی چنین است:

شایسته نیست که انسانی نزد انسان دیگر طلب آمرزش و مغفرت
 نماید . پیش خود و خداى خود بد رگه الهی توبه کنید . اوست
 آمرزنده ، بخشاینده ، بزرگوار و توبه پذیر .

در لوح بشارت، قلم اعلی باین بیانات متعالیه ناطق قَوْلُهُ جَلَّتْ
 عَظَمَتُهُ :

"باید عاصی در حالتی که از غیر الله خود را فارغ و آزاد مشاهده
 نماید طلب مغفرت و آمرزش کند نزد عباد اظهار خطایا و معاصی
 جائز نه چه که سبب و علت آمرزش و عفو الهی نبود و نیست و همچنین
 این اقرار نزد خلق سبب حقارت و ذلت است و حق جَلَّ جَلَالُهُ
 ذلت عباد خود را دوست ندارد ."

حکم ذکرى که جانشین صلوة آیات است

در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی :

"قَدْ عَفَوْنَا عَنْكُمْ صَلَوةَ آيَاتٍ إِذَا ظَهَرَتْ أَذْكَرُوا اللَّهَ بِالْعَظَمَةِ وَالْإِقْتِدَارِ
 إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ . قُولُوا الْعَظَمَةَ لِلَّهِ رَبِّ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى رَبِّ
 الْعَالَمِينَ " آیه ۲۸ و ۲۹

مضمون بیان مبارک بفارسی چنین است:

"شمارا آزاد ای نماز آیات مُعَاف نمودیم . هرگاه حوادث سماوی
 و ارضی پدید آید خداوند را به عظمت و اقتدار ذکر نمائید . اوست
 شنوا و بینا . بگوئید: عظمت و بزرگواری از آن پروردگار عالم عیان و
 جهان پنهان ، خداوندگار عالمیان است ."

حیات بهائی تأثیرات دعا و مناجات

"اتْلُوا آيَاتِ اللَّهِ فِي كُلِّ صَبَاحٍ وَمَسَاءٍ . . ." (حضرت بهاء الله)

"هر روز صبح فرض و واجب است الواح و مناجات خوانده شود"

(حضرت عبدالبهاء)

"باید اوقات مخصوصه تذکر و تنبه و دعا و مناجات را فراموش ننمود
چکه بدن فضل و عنایت الهیه موفقیّت و ترقی و پیشرفت در امور
مشکل بلکه ممتنع و محال"

(حضرت ولی امرالله)

"اگر اشتعال نار محبت الله خواهیم باید بتلاوت آیات و مناجات و
مطالعه آثار ببرد ازیم . . . و روح را تروتازه کنیم و از نفحات وحی
زنده شویم"

از پیام معهد اعلی مورخ ۷ شهرالقول ۱۳۳

باتوجه به اوضاع کنونی جهان و وقت در آثار مبارکه معلوم میگردد که
تشویش و اضطراب در دنیا امروز بخاطر روگردانی از حق و جعلت
کمبود غذای روحانی است برای اینکه قلوب پژمرده انسانها،
دلهای بیمار مملو از بغض و عناد بی خردان، سینه پراز کینه و
بی رحمی مردمان معا لجه گردد، باید به پزشک داناى الهی ^{جعه} مرا
نمود و با داروی شفابخش دعا و مناجات اقدام کرد.

یکی از وظائف مهمه ما خانواده های بهائی اینست که نونهالان
خود اعم از پسر و دختر را با آیات الهی مانوس ساخته و به تلاوت
دعا و مناجات عادت دهیم. کلمات مکنونه طبق سفارش مرکز میثاق
از برنموده مطابق آن عمل نمائیم. یکی از توصیه های حضرت عبدالبهاء

اینست که دعا و تفکر جهت استقرار حیات بهائی هرگز
فراموش نشود.

اثرات دعا و مناجات

۱- تغذیه روحانی

وقتی غذا به جسم نرسد ضعیف میشود قند خون پائین آمده بدن
عرق میکند دست و پایی قدرت میشود و گاهی هوش از سر میرود.
حال اگر بطریقی این کمبود غذائی جبران گردد تمام آن ناراحتی ها
برطرف و نیروی جدید حاصل میشود همینطور است وقتی به کمبود
غذای روحانی دچار شویم: قوای روحانی ضعیف و لغزش و سستی بر
شخص مستولی میگردد. وفا و صفا و توکل و استقامت کم و بد بینگی
افزون میشود. محبت به عداوت مبدل و صفات روحانی به صفات
شیطانی تغییر مییابد. بهمین جهت حضرت عبدالبهاء تلاوت
آیات را بمنزله غذای روحانی توصیف نموده میفرماید: "آیات
غذای روح است. روح قوی میشود و بدن آن از کار میافتد."

۲- رفع غم و اندوه

حضرت عبدالبهاء میفرماید "اگر جمیع احزان احاطه نماید
چون بمناجات در صلوة مشغول گردد یم گل غموم زایل و روح و ریحان
حاصل گردد . . . حالتی دست دهد که وصف نتوانم و تعبیرند انم
. . ."

۳- ایجاد اطمینان

عقل انسان ممکن است با دلیل و برهان قانع شود اما قلب وی جز با دعا و مناجات آرامش و اطمینان نمی یابد . حضرت عبدالبهاء میفرماید : "قلب انسان جز به عبادت رحمن مطمئن نگردد و روح انسان جز بذکر یزدان مستبشر نشود . . ."

۴- چشم پوشی از عیوب دیگران و توجه به خطای خویش

چون بذکر حق پرد ازیم دست از خلق خدا برداشته به غیبت و افترا نمی پرد ازیم هرگاه "نفس ناری غلبه نماید" بذکر عیوب خود مشغول میشویم و جهت عفو گناهان خویش تضرع میکنیم .

۵- تعلیم گرفتن از مناجات و ادعیه در زندگی روزانه

این مناجاتها که از طرف خداوند بمظهر مقدّس وحی شده و یا بطّلعات مقدّسه الهام گردیده بما می آموزد که تقدیس و تنزیه داشته باشیم . متوجه فنای دنیا شده از آلودگی های مادی تا ممکن است برحذر باشیم . فقط به او روی آوریم زندگی روحانی و سعادت دنیوی هر دو را در کسب فیوضات از درگاه الهی دانسته ، آنچه خواهیم از مصدر فضل خواهیم و آنچه طلبیم از منبع عطا طلبیم . طی مناجات است که بیاد میاوریم معبود ما چه انتظاراتی از ما داشته و ما غفلت و سستی کرده ایم لذا به فکر جبران می افتیم .

دعای صبح و آه شب کلید گنج مقصود است

بدین راه و روش میرو که باد لداری پیوندی

۶- اتصال به عوالم روحانی و شمول تأییدات

دنیای امروز روی از خدا برگردانده و درهای ملکوت را بر روی خود بسته است یکی از کوشش های اساسی احیاء این عالم باز نگهداشتن ابواب ملکوت بواسطه مناجات و طلب تأیید است تا نور الهی بتواند به تمام قوت برای دنیا بتابد بفرموده "جمال مبارک هر صبح و شام باید تلاوت آیات نمود و چون احیاء تمام کره ارض موجودند با حرکت وضعی زمین که صبح و شام هر نقطه بتدریج فرا میرسد در صورت اجرای این تعلیم مبارک در تمام بیست و چهار ساعت ابواب ملکوت مفتوح و شبکه پهنای از انوار روحانی ساکنان زمین را فرا خواهد گرفت حضرت عبدالبهاء این اتصال روحانی را به جریان الکتریسیته تشبیه فرموده اند که بواسطه تلاوت مناجات ارتباط برقرار میگردد :

"اتصالات بین عالم خاک و جهان پاک حاصل شده یک سرسیم در مرکز صد و مرکز و سرد بگز در ملکوت ربّ غفور و برق الهام واسطه کلام و قوه جاذبه محبت الله کاشف اسرار . جهدی فرما که صد و مرکز الهام گردد و قلوب جولا نگاه قوه جاذبه آسمان . . ."

بوسیله این ارتباط روحانی با مرکز فیض است که میتوانیم در راه خود و دیگران طلب تأیید کنیم و عرفان و استقامت آرزو نمائیم ، توفیق در خدمات بخواهیم و در حق سایرین که هنوز بمظهر امر رونیاورده اند دعا کنیم بقول جناب نعیم :

میرساند تو را به حضرت دوست آه شب ناله سحرگاه سی

(بقیه در نشریه ۲۲)

بخش اول: د و آئین کهن د رخاوردور

۱- آئین هند و یا آئین برهمنی یا آئین ود

Hinduism

هندوستان با مساحتی قریب سه میلیون و سیصد هزار کیلومتر مربع یعنی حدود ثلث تمام قاره اروپا و با متجاوز از نیم بیلیون (پانصد میلیون) جمعیت یکی از قدیمی ترین اقالیم جهان است که آثاری از مدّ نیت پنج هزار سال قبل دارد و در این زمان در همین کشور وسیع و پر جمعیت و قدیمی پانزده زبان رسمی (غیر از صد ها محلی) و هفت دیانت مهم اصلی (غیر از دهها مذهب) رائج است که قدیمی ترین آن ادیان، آئین برهمنی یا آئین "ودا" Veda است که ریشه‌ای سه هزار و پانصد ساله (یعنی از زمان ورود آریائی‌ها از ناحیه خراسان بآن سرزمین در سه تا چهار هزار سال قبل) دارد. گویانکه هند و هوائین خود را از پنج هزار سال قبل میدانند و آنرا شریعت ابدی مینامند.

این دیانت در اصل مبتنی بر توحید بود و در آرای کتاب مقدّس بنام "ودا" Veda (بمعنای علم) میباشد که منظور علم الهی است، و آنرا مردی روحانی بنام ویا سا یا ویا سا Vyasa در حدود سه هزار سال قبل در چهار قسمت تنظیم نمود و آنرا که کل حاوی سرودها و دستاویز و نیایش خدا و در باره احکام مذهبی و تعالیم اخلاقی

الحاظ معارف دینی، آئین هند و غنی است چنانکه شرح و تفسیر برهمن‌ها Brahmins (علمای هند و) معادل مند رجات اصلی "ودا" باین کتاب اضافه گردیده است و علاوه بر آن چند کتاب مورد احترام دیگر نیز دارند.

هندوها یعنی پیروان آئین هند و به سه جلوه خد اعقید دارند که اعظم و اقدم آنها: برهما Brahma خدای آفرینش و علم و حکمت است و دیگر ویشنو Vishnu یا Visnu میباشد که مسوول حفظ حیات و نگهداری جهان است و سوم شیوا Shiva یا Siva میباشد که هم خدای تخریب و هم خدای بنا و تجدید است و به اتحاد این سه خدا تثلیث الهی گفتند.

شواهد نشان میدهد که در ابتدا فقط ذکر برهما بود و بعد ها از زمانی که معلوم نیست، نام ویشنو و شیوا هم در کتب قدیمه که فقط برهمن‌ها یعنی علمای روحانی بر مردم میخواندند آمده و تدریجا اهمیت بسیار پیدا کرد و است بطوریکه اول ویشنو سپس شیوا اهمیت بیشتری از برهما یافته و معتقدین به هر یک از این دو جلوه خدا دارای معتقدات و معارف خاص و مذهب جدا شده اند.

هندوها برای میترا Mitra الهه آفتاب و برای آگنی Agni ربّ النوع آتش و برای ایندرا Indra ربّ النوع باد و هوا و برای هر مظهر طبیعت و هر قدرت که نامش در ودا آمده و بتدریج برای هر چیزی

مجسمه‌ها ساختند و آنرا خدا یا الهه یا رب النوع آن قدرت یا آن حالت طبیعت یا هر حالت انسان یا هر یک از امور زندگی قرار دادند بطوریکه انواع این ارباب انواع از هزار تجاوز نمود و آئین هند و آئین بت پرستی جلوه کرد .

جد از این بت ها و داستان ویشنو و برهما و سیوا ، در آئین هند و یا ودا پیغمبری ظاهر شده بنام کریشنا Krishna که او را تجسد یا ظهور هشتم ویشنو در این عالم میدانند که حدود ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ سال قبل ظهور فرموده و بعداً نیز بنام "روح اعظم" ظاهر خواهد شد .

نکته مهم اینست که همه پیروان آئین هند و بهمه این عقائد معتقد نیستند و هر مذهب و فرقه و گروهی عقائد خاص دارند که تمام آنها آمیخته با خرافات و نیایش بت ها و قربانی کردن برای آنها میباشد که در نتیجه آنها را وثنی و غیر موحد یا حتی بقول منتقدین گاو پرست جلوه میدهد زیرا در همین باره یعنی مسأله گاو ، هند وها مبتنی بر عقیده به تواسخ یعنی رجوع روح انسان بصورت حیوان به این جهان معتقدند که ارواح مقدسه در گاو ماده حلول میکنند و یا بصورت گاو ماده باین جهان باز میگردد و همچنین گاو ماده موجب هدایت نفوس به بهشت میشود و علیهذا بعضاً فضولات گاو را هم مقدس و جزو مطهرات میدانند .

از این قبیل خرافات کثیره واهیه و معتقدات عجیبه درباره خلقت

و تجسد های خدا و اعتقاد به وحدت وجود و تناسخ و تواسخ که همه بمرور زمان جانشین حقائق عرفانی و الهی گردیده ، اگر صرف نظر نماییم و بگذریم ملاحظه میکنیم که در کتب متعدد دین آئین کهن تعالیمی اخلاقی درباره راستی ، درستی ، پرهیزکاری ، انقطاع ، حفظ احترام ذوی الحقوق و لزوم اجتناب از شهوات و معاصی وجود دارد .

مذاهب اصلاحی : علاوه بر مذاهب مختلفه ای که بتدریج در آئین هند و بوجود آمدند و مذهب اصلاحی نیز در قرن نوزدهم تأسیس گردید که توحید خدا را ترویج و نهی از قربانی و پرستش بت ها و اختلاف طبقاتی و عداوت مذهبی نمودند .

دو مذهب مستقل هندی : اگر نه از آئین هند و ولی مسلماً در ارتباط با معارف این آئین و در زمینه فرهنگ هندی ، مذهب جین Jain و بیست قرن بعد مذهب مستقل سیک Sikh در هند و ظهور کرد و پیشرفت نمود که اولی به اشاره و ثانی به اختصار ذکر میگردد :

مذهب جین یا Jainism از قرن ششم قبل از میلاد در مقابله با بعضی عقائد آئین هند و واحتراز شد و از آزار هر موجود زنده بوجود آمد که در این زمان متجاوز از سه میلیون پیرو خصوصاً در غرب هند وستان دارد .

چون در مذهب جین (جینا بمعنی فاتح و نجات دهنده بیست و

چهارم (عالم)، کتاب ودا مصون از خطاشناخته نشد و خدایانش مورد قبول واقع نگشته و برخی از سنن و رسومش مثل قربانی برای بت‌ها اجرا نگردیده است، این مذهب را ولوجد اشد از آئین هند و، مذهبی مستقل دانسته‌اند.

مذهب یا طریقت سیک یا سیخ Sikhism
مؤسس این مذهب بابانانک یا گورو نانک Guru Nanak

میباشد و گورو بمعنای معلم روحانی است کما اینکه "سیک" هم بمعنای معلم و پیرو میباشد وی از اوایل قرن شانزدهم پس از اسفاری طولانی به اقالیم دور و نزدیک (در شرق پاکستان فعلی) شروع بتعلیم برادری و برابری و ترک رسوم خرافی و ستایش خدای واحد و نادیدنی و کوشش در رفع اختلافات طبقاتی و ازاله اختلاف بین مسلمان و هند و شرح تطابق احکام آئین ودا با اسلام نمود و عده‌ای پیرو یافت.

بعد از فوت گورو نانک نه گوروی دیگر هر یک بوصیت دیگری پیشوا شدند و جامعه سیک را پیش بردند شهر امریتسار - Amritsar (سر) راسا ختند و معبدی بزرگ بنا کردند که بعد ها بنام معبد طلایی Golden Temple نامیده شد. سپس آثار گورو نانک و بعضی گوروهای بعد از او را که همه به شعر بود، بصورت کتابی درآوردند که بعد از آخرین گورو آن کتاب را گورو وهادی مقدس قرار دادند.

سیکها که از اول قرن هفدهم، از زمان گوروی ششم، برای دفاع سلاح برداشته بودند در اوایل قرن نوزدهم امپراطوری سیک را در سرتاسر پنجاب و از کشمیر در شرق تا خیبر در غرب تأسیس کردند ولی بعداً از ارتش انگلستان شکست خوردند.

در جریان استقلال هند وستان وپاکستان هم اراضی و مناطق مسکونی و امکنه تاریخی و مقدسه آنها در دو طرف خط مرزی دو کشور غیر متحد مزبور قرار گرفت و بر ناراضی آنها افزود. معارف و فرهنگ:

سیکها علاوه بر اصل کتاب مقدس که قریب شش هزار قطعه یا سرود دارد و آنرا مانند یک گوروی زنده میدانند و احترام بسیار میگذارند کتب مقدسه دیگر نیز دارند که همه به شعر میباشد.

سیکها موحد هستند و برای خدا اسمی گوناگون و برای عبادتشان ادعیه مختلفه دارند که در منازل و یاد رمعابدشان که بنام گورد وارا Gurdwara میباشد تغنی میکنند. دنیا را معتبر نمی‌شمرند و تقوی و نیکوکاری و انقطاع را از شرائط وصول به حق میدانند و بلزوم تکامل روح و بهتناسخ عقیده دارند. از نشانه محترمانه و از مواد مخدر و دخان و مشروب الکلی مجتنب و در تقوی مجاهد.

هر مرد قسم خورده جامعه سیک همواره دارای پنج علامت میباشد.

- ۱- مو، ریش و سبیل هرگز نباید کوتاه یا زده شود.
- ۲- شانه‌ای چوبی و کوچک زیر عمایه قرار داده باشد.

۳- شلوار، کوتاه باشد .

۴- شمشیری بلند و یا خنجری بسته بکمرد داشته باشد .

۵- دستبندی آهنی بر مِشج دست راست داشته باشد .

افراد قسم خورده طی مراسمی عضو گروه بزرگ "خالصا" Khalsa (بمعنای خالص) میگردند و همچنین به لقب "سینگ" Singh (بمعنای شیر) ملقب میشوند. واجب تر و عمومی تر از پنج علامت مذکور عمامه یا تَرِبِن Turban میباشد که باید از سن صغر تا آخر عمر بر سر نهند .

مذهب سیک نیز به چند شعبه و گروه کوچک تقسیم شده است . جمع کل پیروان این مذهب را در آخرین آمار حدود پانزده - میلیون نوشته اند که اکثر آنها در همان ایالت پنجاب میباشند .

* * * *

معرفی آثار مبارکه

مقدمه :

حضرت بهاء الله میفرمایند :

"لَمْ يَزَلْ نَفْحَاتِ قَدْسٍ مِنْ رِضْوَانِ عِنَايَةِ الْهَيْدِ فِي رُؤْيِدِنِ بُوْدِهِ وَمَا لَا يَزَالُ بِرُؤْيَايِحِ عَزِّ مَعْنَوِيٍّ اَزْ يَمِيْنِ عَرْشِ رَبَّانِيٍّ دَرْ رَهْبُوْبِ خَوَاھِدِ بُوْدِ سَحَابِ جُوْدِ وَكَرَمِ اَنْبِيٍّ اَزْ اَبْلَاغِ فَيُوْضَاتِ مَنِيْعَةِ سَاكِنِ نَكْشَتِ وَغَمَامِ فَضْلِ وَرَحْمَتِ اَنْبِيٍّ اَزْ اِنْزَالِ اَمْطَارِ فَيُضِ نِيَّاسُوْدِ . . ."

درباره وفور و سرعت نزول آیات در این ظهور مبارک شواهدی چند در آثار مبارکه موجود است که ذیلاً به نقل چند نمونه اکتفا میگردد :

جمالقدم در این خصوص در لوحی میفرمایند :

قوله تعالی "بشأني از غمام فضل امریه وسحاب فیض احدیہ اطیل کہ در یک ساعت معادل الف بیت نازل ."

و نیز میفرمایند :

"الیوم فضلی ظاهر شده کہ در یک یوم ولیل اگر کاتب از عهدہ برآید معادل بیان فارسی از سما قدس ربانی نازل میشود . . . این ایام . . . معادل جمیع کتب قبل و بعد از قلم اعلی امام و جوه نازل"

و در لوح دیگری راجع به کثرت نزول آیات در آورده میفرمایند :
"آنچه در این ارض موجود، کتاب از تحریرش عاجز مانده اند چنانچه

اکثری سواد مانده"

حضرت ولی امرالله میفرمایند :

"... یکی از ناظرین که خود شاهد احوال و اوضاع آن ایام بوده مینویسد (شب و روز آیات چون غیث هاطل از سما مشیت الهی نازل میگردد بد رجهای که تسوید آنها ممکن نبود ...)"

ص ۲۴۵ قرن بد بیع قسمت دوم

بنابر مند رجات گاد پاسزبای قسمت عظیمی از آثار مبارکه از بین رفته و یا حسب الامر هیکل اقدس مظهر ظهور بعثت عدم ادراک - نفوس محوشده است معهداً بنا به تصریح حضرت ولی امرالله الواح و آثار منیعہ جمال قدیم به صد مجلد بالغ میگردد .

از آنجائیکه مطالعه و بررسی کلیه آثار مبارکه که در طی چهل سال نازل گشته در گنجایش و توان این مجموعه نیست لذا بمعرفی و بررسی اجمالی اهم این آثار مبادرت و اکتفا میگردد .

کتاب مستطاب ایقان

کتاب مستطاب ایقان اثر گهربار جمال اقدس ابهی در سال ۱۲۷۸ هجری قمری مطابق با ۱۸۶۲ میلادی زمانیکه جمال مبارک پس از دو سال از سفر کوههای سلیمانیه به بغداد مراجعت نمودند از بحر علم و حکمت الهی در مدت دو شبانه روز از قلم مبارک نازل شد .

با نزول این کتاب که کلید اسرار کتب سماویه است، وعده حضرت

رب اعلی در باره تکمیل کتاب مستطاب بیان بوسیله موعود بیان جامه عمل بخود پوشید و بشارت دانیال نبی که میفرماید: "لَآنَ - الْكَلِمَاتِ مَخْفِيَةً وَمَخْتُومَةً إِلَى وَقْتِ الْبَيْتِ" (۱) اکمال پذیرفت و ستر از کلمات کتاب برداشته شد و ختم رحیق مختوم به اصابع حسی قیوم گشوده گردد . . ."

قرن بد بیع ۲ ص ۱۴۹

نزول این کتاب مستطاب بفاصله قلیلی از اظهار جمال مبارک در بغداد و (در کنار رود نرات یاد ربیت بغداد) به خواش و در جواب سوالات جناب میرسید محمد خال اکبر که در آن هنگام هنوز به امر مبارک مؤمن نشده بود واقع شد و باین دلیل در آغاز معروف برساله خالویه بود و بعد ها هیکل مبارک در آثار مبارکه آنرا به کتاب ایقان تسمیه فرمودند . شأن نزول این سفر جلیل باین قرار است که میرسید محمد خال اکبر دانی حضرت اعلی برای زیارت عتبات به عراق میروند و حاج سید جواد کربلایی از احباب ساکن عراق این مسأله را باطلاع جمال مبارک میرساند حضرت بها الله باو میفرمایند که تو آیاد رباره این امر اعظم چیزی گفتی میگوید خیر میفرمایند برو و بگو و چنانچه اشکالاتی است بگو بروی کاغذ بیاورند میروند و در ربا زگشت ورقه ای می آورد که حاوی سوالاتی بود که خال اکبر از حضور مبارک کرده بود حضرت بها الله ورقه سوالات را باز کرده و بعد از نگاهی میفرمایند معمولاً جواب اینگونه سوالات داده نمیشود ولی چون منسوب به شجره مقدسه هستیید جواب داده

(۱) زیرا که این کلمات تا زمان آخر مختوم و پنهان است .

میشود خال اکبر پس از مطالعه کتاب ایمان می آورد و سپس میگوید که اگر کسی این کتاب را بخواند و به حقانیت این ظهور اعظم ایمان نیاورد به حقانیت هیچ ظهور دیگر نیز معترف نخواهد بود. و باین ترتیب است که کتاب ایقان از قلم مُعْجَزِ شَیْمِ مَوْعُودِ بیان صادر میشود. لحن کتاب لحن خاص حضرت بهاء الله میباشد و از حیث حسن انشاء و روش بدیع و قدرت استدلال بی مانند و نمونه کامل نوعی خاص از نثر پارسی است چنانکه حضرت ولی امر الله در باره این کتاب مستطاب میفرماید: «داری سبکی بدیع و لحنی مهیمن و منبع و از لحاظ استحکام بیان و قوت برهان بی نظیر و در فصاحت و بلاغت بی عدیل و مثیل و کاشف نقشه عظیمه الهیه جهت نجات عالم بشریه است و در بین آثار و صحف بهائی پس از کتاب مقدس اقدس اعظم و اشرف از کل محسوب است».

و در انتها میفرماید: «... و بطور کلی میتوان گفت که در بین کتب و آثاری که از قلم مُلْهِمِ شارح امر بهائی نازل گردیده کتاب مستطاب ایقان بنفسه نظریحل مشاغل و غوامض آیات الهیه که لا زال عدم فهم آن سبب تخالف و تناثر احزاب و امم عظیمه بوده اساس متین و استواری جهت وحدت ملل و نحل و ائتلاف اقوام و مذاهب متنوعه برقرار نموده است.»^۱ انتهای قرن بدیع ۲ ص ۱۴۸ ۱۵۱۹

مواضع و مسائل در این کتاب مستطاب بحدی کافی و شافی و کامل و واضح و در عین حال عمیق بیان شده که نوعی نثر سهل ممتنع را بنا

مینهد نثری که بهر کس در حد ادراک او می فهماند و در آخرین حد خواستهایش مطالب را با قدرت و استدلال می قبولاند نثری که جناب ابوالفضائل را وادار کرد که آنرا بیش از ۴۰ بار بخواند جناب ابوالفضائلی که حضرت عبدالبهاء در باره او این بیانات را میفرماید: (۱- هم بدروهم مادروهم پسر فضائل است. ۲- تا کنون و از این به بعد نظیر وی نخواهد آمد. ۳- اسباب راحت ابوالفضائل را مهیا نمائید از عبارت از نفس من است. ۴- یا ابوالفضائل و اومه و اخیه.)

چنانکه گفته شد مند رجات کتاب شامل جوابهائی است که به سئواله خال اکبر داده شده است سوالات وی شامل مطالب زیر بود:

- ۱- علائم ظهور موعود
 - ۲- مسأله خاتمیت حضرت رسول اکرم
 - ۳- قیامت و سلطنت موعوده و احیاء اموات در یوم ظهور و بعث و حشر در روز قیامت و رجعت ائمه اطهار در یوم ظهور قائم
 - ۴- تحریف کتب آسمانی
 - ۵- ابدیت شریعت اسلام
 - ۶- دلیل اعراض علماء و پیشوایان دین
 - ۷- دلائل و براهین مثبت حقانیت ظهور جدید
- در کتاب ایقان نه تنها این مشاغل تشریح شده بلکه شرایط سالکین سبیل معرفت و طالبین حقیقت تشریح و مسائل و غوامض مهمه

د یگری نیز تبیین گردیده است.

نکاتی چند درباره این کتاب مستطاب:

الف - جمال مبارک نه تنها خود تعداد بسیاری از الواح را می-نگاشتند بلکه کاتب هائی چند نیز داشته ولی الواح و کتب مهمه^۱ نازله از کُلِّکِ اَطَّهَرِ اکثراً" بخط و نسخه برداری حضرت عبدالبهاء است مانند کتاب مستطاب ایقان و لوح احمد .

ب - این نسخه اصلی تا زمان حضرت ولی امرالله در منزل خال اکبر می ماند سپس نسخه^۲ د ختری خال آنرا به حضور حضرت ولی امرالله تقدیم میکند و فعلاً" در محفظه آثار موجود است .

د ر نسخه اصلی چند قسمت است که جمال قدم در آن قسمتها به قلم خود حاشیه نوشته اند .

ج - این کتاب مستطاب توسط حضرت ولی امرالله به انگلیسی ترجمه گردیده است .

د - برای مطالعه بیشتر درباره کتاب ایقان میتوان به چهار جلد کتاب قاموس ایقان تألیف جناب عبد الحمید اشراق خاوری و کتاب قرن بدیع جلد ۲ به قلم حضرت ولی امرالله و کتاب گنج شایگان تألیف جناب اشراق خاوری و کتاب فرائد تألیف جناب ابوالفضل گلپایگانی رجوع نمود .

ه - کتاب مستطاب ایقان چاپ مصر دارای ۱۹۹ صفحه و فهرست ۱۲ صفحه ای است و بخوبی برای پیدا کردن نکات مهمه قابل استفاده است .

راهنمای زندگی

جلوه‌هایی از حیات عنصری جمال اقدس الهی

"روزی جمال قدم جلّ ذکره که در منزل حضرت کلیم تشریف داشتند مخاطباً به حضرت حاجی نصیر بیاناتی فرمودند که از مفهوم آنها اینقدر نظرمانده است:

جناب حاجی شهادت راه خدا بسیار رحمت کشید و بسیار صدقه خورده اگر خود شما فراموش کرده‌اید حق فراموش نفرموده و لکن عوالم الهی منحصر بین عالم نیست اگر منحصر بود انبیا^۱ عظام راضی نمیشدند که آنهمه بلیات را از آنها متحمل شوند ظهور قبل م راضی نمیشد که او را معلق در هوا بیاویزند و بر صاص غل و بغض شهید نمایند و من راضی نمیشدم که از نیاوران بطهران سرور پای برهنه مرا بآن ذلت کبری بیاورند و صد مات لا تعدّ و لا تحصی را متقبّل شوم" ص ۴۶ حیات عنصری . . . د رسفرنامه اروپا از بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء مذکور است:

وقتی که وارد عکاشدیم در چقان مصیبتی که جمیع در رحمت و بلا بود بیم لذت و سروری داشتیم که بگفتن نیاید وقتی هفتاد نفر اصحاب در قلعه محبوس بودند همه مبتلای تب شدند به درجه ای که هیچیک قادر بر حرکت نبود الا من و آقا رضا که مشغول پرستاری احباب و تهیه دوا و شوری بودیم اتفاقاً منزل من هم در طاقی واقع که فرش آن از سنگ بود و بسیار رطوبت داشت و آن اطاق را بجهت غسل خانه ساخته بودند با آن حالت ابتلا در ظل حضرت بهاء^۲ الله چنان سرور بودیم که هر زحمتی را راحت میدانستیم .

هدف : هدف مطالعہ عربی د راین مرحلہ بیشتر آشنائی با ساختن کلمات و سپس انواع افعال و معانی صیغہ های مختلف ہر فصل در زبان عربی با انجام تمرینات لازم د راین زمینہ میباید .

وسائل کار : بقیہ نوار شماره ۹۲ (عربی مرحلہ سوم) و مطالبی کہ ہر جلسہ تحت عنوان د رس عربی ضمیمہ میباید . باید یاد آورش کہ بعد از تمام نوار ۹۲ د رس بقیہ د روس بدین استفادہ از نوار ادامه خواهد یافت .

د فائزیکہ از مرحلہ اول تحصیل عربی د راین طرح تہیہ فرمودہ اید همچون د راین مرحلہ نیز بکار می آیند .

تذکرہ مهم :

د وستان عزیز : زبان عربی یک زبان بیگانہ است کہ یادگیری آن بہ تکرار مطالب یاد گرفته شدہ و تمرین فراوان بستگی تام دارد لذا از حضورتان استدعا میشود برای کسب موفقیت د راین د رس قدم بہ قدم د روس عربی را د نبال کردہ و از انجام دقیق تمرینات و تکالیف و سپس تصحیح آنها د جلسات رفع اشکال غافل نہانید .

تعاریف را با مثال حفظ کنید و توجہ داشته باشید کہ د روس عربی د راین مرحلہ وارد فصل جدیدی میشود کہ با مراحل قبل از لحاظ موضوع و انجام تکالیف متفاوت بودہ مجاہدت بیشتری را د راین سبیل می طلبید .

د رس اول عربی :

نوار (عربی مرحلہ سوم) را با ملاحظہ متن ضمیمہ از سطر ۱۵ (از آنجا کہ گویندہ بیان می کند : چند حرف هستند کہ اگر بر سر د و کلمہ کہ مضاف و مضاف الیہ هستند بیایند کلمہ اول منصوب می کنند) تا سطر ۳۴ گوش د ہید و بہ روشی کہ گویندہ نوار را ظہار میدارد بدقت عمل کنید و چند بار این کار را تکرار کنید تا مطمئن شوید کہ تعاریف این قسمت را بخوبی فرا گرفته اید سپس قواعد زیر را کہ مربوط بہ مطالب گفته شدہ د ر نوار است د رد فتر قواعد عربی مرقوم فرمائید و آنها را حفظ کنید . متن زیر را هنگام گوش فرادادن بنوار ملاحظہ فرمائید .

۱۵- عِبْدُ اللَّهِ ۱۶- يَا عِبْدَ اللَّهِ ۱۷- جَاءَ الْحَسَنُ
 ↓ ↓ ↓
 بندہ خداوند ای بندہ خداوند

۱۸- جَاءَ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ۱۹- وَاللَّهُ
 ↓
 قسم بہ

۲۰- اِلَىٰ مَتَىٰ يَا اِهْلَانَا ، هَذَا الظُّلْمُ وَالطُّغْيَانُ

۲۱- اِلَىٰ مَتَىٰ هَذَا الْجَوْرُ وَالْعُدْوَانُ

۲۲- لَا وَحَضْرَةَ رَحْمَانِيَّتِكَ
 ↓ ↓
 نہ قسم بہ پیشگاہ بخشایندگی تو

۲۳- يَرْفَعُ اللَّهُ حُزْنَہُ ۲۴- صَرَبَ حَسَنٌ اِحْمَدَا
 ↓ ↓ ↓
 د ور میکند خداوند اندوہ او را زد

۲۵- حُرُوفٌ مُشَبَّهَةٌ بِالفِعْلِ

۲۶- اللَّهُ بَصِيرٌ خداوند بیناست
 ۲۷- إِنْ اللَّهُ بَصِيرٌ هَمَانَا خداوند بیناست
 ۲۸- إِنْهُ عَالِمٌ هَمَانَا
 ۲۹- النَّاسُ نِيَامٌ مردم خوابند
 ۳۰- إِنْ النَّاسُ نِيَامٌ هَمَانَا

عَلَى عَالِمٌ
 اسم: ضمیر، اسم اشاره، فاعل، مفعول، صفت
 اللَّهُ بَصِيرٌ عَبْدٌ اللَّهُ
 مبتدا، خبر، مضاف، مضاف الیه
 فعل: فعل

حرف: حروف جاره، حروف ندا، حروف عطف
 عَلَى أَنْفَانِ، يَا عَبْدَ اللَّهِ، جَاءَ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ

حروف مشبَّهَةٌ بِالفِعْلِ
 إِنْ اللَّهُ بَصِيرٌ

۳۱-
 حرکت
 حرف
 کلمه

۳۲- حركات مخصوص حروف است	- (فتحه) بِ ↓ مفتوح	- (كسره) بِ ↓ مكسور	- (ضمة) بِ ↓ مضموم	- (سكون) بِ ↓ ساكن
اعراب مخصوص کلمات است	نصب الكتاب، کتاباً ↓ منصوب	جر الكتاب، کتاب ↓ مجرور	رفع الكتاب، کتاب ↓ مرفوع	جزم لا تَذْهَبْ ↓ مجزوم

۳۳-

حرکت: نوار اول قسمت A از ابتدا تا مطالب مربوط به سطر ۲
 اعراب: نوار دوم قسمت A از مطالب مربوط به سطر ۹ تا سطر ۲
 قواعد یک به باید بد فتر منتقل شوند.

۱- هرگاه حروف ندا بر سر مضاف و مضاف الیه در آیند مضاف را -
 منصوب می کنند و در این صورت مضاف را منادای مضاف میگویند.
 عَبْدُ اللَّهِ (بنده خدا) يَا عَبْدَ اللَّهِ (ای بنده خدا)
 مضاف مضاف الیه حرف ندا متعلق مضاف الیه
 مضاف

حروف ندا عبارتند از: أ، یا، آیا، وا

۲- حروف عطف: حرونی هستند که چون بین دو اسم بیایند اعراب

اسم قبل از خود را به اسم بعد از خود منتقل می کنند
 مثل : جَاءَ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ

که بعلت حرف عطف واو، اعراب حسین از حسن تبعیت می کند و
 د را اینصورت می گوئیم حسین به حسن معطوف شده است.

حروف عطف عبارتند از: وَ ، ف ، ثُمَّ ، حَتَّى ، أَوْ ، أَمْ ، بَلْ ، لَآ ، لَكِنَّ
 ۳ - حروف مشبّهة بالفعل : حروفی هستند که چون بر سر مبتدا و

خبر (جمله اسمیه) درآیند مبتدا را منصوب می کنند و خبر را -

مرفوع نگه میدارند .

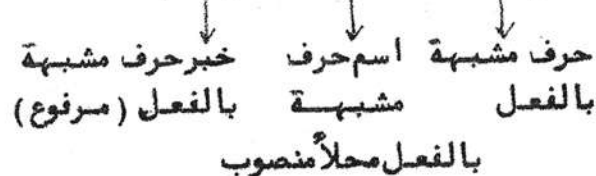
مثل : اللَّهُ بِصِيرٍ (خداوند بیناست)

مبتدا خبر

که میشود إِنَّ اللَّهَ بِصِيرٍ (همانا خداوند بیناست)



إِنَّهُ عَالِمٌ



حروف مشبّهة بالفعل عبارتند از:

إِنَّ (همانا) أَنْ (اینکه) كَأَنَّ (مثل اینکه) لَكِنَّ (لیکن)
 كَيْتَ (ایکاش) لَعَلَّ (شاید)

(حروف ندا، عطف و مشبّهة بالفعل را حفظ کنید)

تمرین : در جملات زیر علت اعراب کلماتی را که زیر آنها خط کشیده
 شده تعیین نمایید .

يَا إِلَهَ الْأَسْمَاءِ وَنَاطِرَ السَّمَاءِ - يَا مَقْصُودَ الْعَالَمِ وَمَحْبُوبَ الْأُمَّمِ
 أَنْ يَا مُلُوكَ الْأَرْضِ اسْمَعُوا نِدَاءَ اللَّهِ - وَعَزَّتِكَ الْمَقْدَسَةُ عَنِ الذِّكْرِ
 وَالثَّنَاءِ

إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (خداوند به رازسینهها آگاه است)

إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (خداوند به هر چیزی آگاه است)

إِنَّ الطُّورَ يَطُوفُ حَوْلَ مَطْلَعِ الظُّهُورِ وَالرُّوحُ يُنَادِي مِنَ الْمَلَكُوتِ

همانا طور طواف می کند حول مظهر ظهور و روح ندا می کند از ملکوت

زِينُوا أَنْفُسَكُمْ بِطِرَازِ الْأَعْمَالِ وَالَّذِي نَازَ بِالْعَمَلِ فِي رِضَاةِ اللَّهِ مِنْ

زینت د هید نفسهایتان را به زینت اعمال و کسیکه رسید به عمل در رضای

أَهْلِ الْبَيْتِ لَدَى الْعَرْشِ مَذْكُورًا .

اوهمانا او را زاهل بهانزد عرش مذکور است .

يَا حِزْبَ اللَّهِ - يَا مَالِكَ الْمُلُوكِ يَا سُلْطَانَ الْعَطُوفِ

لغات واصطلاحات جزوه شماره ۲۱

أَخْرَبَ : ویران تر (بین) ، خراب تر (بین)

اسْتَبْدَاد : خود سری و بمیل و اراده خود کار کردن ، فرمانروایی

مطلق فردی ، ظلم و ستم حاصله از حکومت مطلقه فردی

اسْتَدْعَا : " فراخواندن ، درخواست کردن با فروتنی ، طلب ، تقاضا ،

مستلزم بودن

اسْتِطَاعَت : توانستن ، توانا بودن بانجام کاری (در فارسی بمعنای

داشتن سرمایه و مال نیز بکار می رود)

اسْتَلْه : (مفرد : سُوءَال : درخواست ، طلب)

أَرْض : زمین ، خاک ، کره ، خاک

اسْتِنْتِاج : نتیجه گرفتن ، استخراج نتیجه از مقدمات کردن

أَصَابِع : انگشتان (مفرد : أُصْبُعُ به تثلیث همزه و با)

إِفْتِرَاء : تهمت زدن — در حق کسی دروغ بزرگ گفتن ، بهتان

أَعَمَّ : عام تر ، عمومی تر ، شامل تر ، گروه کثیر

اِكْتِسَاب : کسب کردن ، حاصل کردن ، رزق جستن یا کوشش و کسار ،

گناه کردن

الْزَمَ : لازم تر (بین) — واجب تر (بین)

الْتِفَات : توجه کردن — بسوی شیئی یا کسی نگریستن ، روکردن

أَلْف — هزار ، زیاد ، کثیر

إِلْهَام : القاء امری از جانب خداوند در دل انسان ، بدیل افکندن

(در اصطلاح خاص دینی الهام مخصوص انبیا و ائمه

هدی و وحی مخصوص پیامبران اولوالعزم میباشد)

إِلْه : جمع إله : معبود ، خدا

أُم : مادر ، اصل هر شیئی ، اساس هر چیزی ، رئیس (جمع : أمهات

أمات)

أَمَام : پیش — مقابل — در حضور

إِمَاءُ الرَّحْمَن : کنیزان خداوند — در عرف امر به بانوان بهائی اطلاق

میشود

أُمَرَاء : فرمانروایان — حُكَّام — پادشاهان (مفرد : أمير) ، مقصود

از أُمَرَاء اعضای بیت عدل محلی و ملی و بین المللی است

ص ۲۰ گنجینه

أَمْنَاء : (مفرد : أمين : امانت دار — طرف اعتماد — درستکار)

أَنْبِيَاءِ عِظَام : چهار تنبی از چهل و هشت نفر انبیا بنی اسرائیل

" أَعْظَمُ که اعظم از دیگران بودند بنام های اشعيا ، ارميا ،

حزقيا ، دانيال

انْقِطَاع : گسستن از خلق و توجه بخدا در جمیع احوال ، گسستن ،

قطع علاقه کردن از ماسوی الله ، بریدن در امر الهی منظور

از انقطاع فقر و ترک دنیا نبود بلکه آنستکه هیچ شیئی بینا

امری از امور ، انسان را از حق باز ندارد و انسان اسیر

تعلقات فانیه نگردد که از حق بیازماند .

اِنذار : ترسانیدن — آگاه کردن توأم با بیم دادن — از عواقب و نتایج ترسانیدن

اِهْتِزَاز : حرکت کردن از شدت سرور — نشاط و سرور
بَاطِن : شکم — میانه و درون — عمق — باطن

بِیْ عَدَیْل : بی نظیر — بی همتا

بَدَايَت : ابتدا — آغاز — اول و شروع هر چیز

بُیُوتِ عَدَل : مقصود محافل روحانی است که بعد ها مبدل به بیت عدل محلی و بیت هدل خصوصی (ملی) خواهند گردید .

بَالِغٌ مِیْ شُود : می رسد

بَعَثٌ : فرستادن — برانگیختن — بیدار کردن — زنده کردن — نازل کردن

بَقِیَّةُ السَّیْفِ : کسانی که در جهاد یا جنگ کشته نشده و زنده بمانند

تَدَبُّنٌ : دین دار گشتن — دین داشتن

تَسْمِیَهِ : نام نهادن — نام گذاری کردن

تَخَالُفٌ : بایکدیگر مخالفت کردن — خلاف ورزیدن

تَحْرِیْفٌ : تغییر و تبدیل دادن و گردانیدن کلام و خارج ساختن آن

از وضع و طرز و حالت اصلی خود — تغییر دادن معنای کلام

بر خلاف واقع معنی کردن

تَطْهِیْرٌ : پاک و طاهر گردانیدن — چیزی را شستن و پاکیزه نمودن

تَضْیِیْقَاتٌ : (مفرد : تَضْیِیْقٌ : در تنگنا قرار دادن — سخت گرفتن بر

کسی — تنگ گرفتن — سختی و محرومیت)

تَشْوِیْشٌ : شورید و ساختن — آشفتگی و بی آرامی — بهم زدن — پرا ^{کندن}

تَثْلِیْثٌ : سه گانگی به سه قسمت کردن — قائل به سه خدا بودن

تَمَكِّیْنٌ : قادر گردانیدن — با قدر و شأن کردن — قدرت و منزلت

دادن (در فارسی بمعنای پذیرفتن و اطاعت کردن)

تَجَسُّدٌ : جسد پذیری — به جسم درآمدن و جسد یافتن

تَتَاوَسَخٌ : عقیده ^ه حُلُولِ رُوحِ یَکِ شَخْصٍ بَعْدَ اَزْمَرِگِ بَهْ جَسْمِی دِگَر —

یکدیگر را نسخ و باطل کردن — پی در پی شدن

تَوَاوَسَخٌ : عقیده ^ه رُجُوعِ رُوحِ اِنْسَانِ بَصُورَتِ حَیْوانِ بَایِنِ جِهَانِ

تَتَاوَسَخٌ : بایکدیگر خصومت ورزیدن — از هم بیزارى جستن

تَغْنِیٌ : آواز خواندن — تَرَنُّمٌ — غنی شدن

جَمِیعِ مَآئِزِلٍ مِّنْ مَّلَكُوتِ الْبَیَانِ : تمام آنچه که از ملکوت بیان نازل شده

حَشْرٌ : برانگیختن — گرد آوردن مردم — جمع کردن — معاشرت و

آمیزش نمودن

حَقٌّ جَلٌّ جَلَالُهُ : خداوند که عظمتش جلیل و پاینده باد

حِکْمَتٌ : علم بحقائق اشیا — فلسفه — عدل — کلام موافق حق —

طَبٌّ — در امر مبارک : رعایت حَزْمٌ و احتیاط و ملاحظه مصالح

وقت است بدون ادنی انحراف از حق و راستی

حَمِیَّةٌ : نَخْوَتٌ ، غیبت ، ننگ داشتن

دَارُ التَّعْلِيمِ : مدرسه — جای تعلیم گرفتن

ذَوِي الْحَقُوقِ : صاحبان حق — دارندگان حقوق

ذُكُورٌ : مردان (مفرد : ذَكَرٌ : مُذَكَّرٌ — دلیر وقوی (مرد))

رَبَّانِيٌّ : منسوب به ربّ — الهی — پروردگاری — عالم دینی

رَبُّ الْاَلْوَعِ : خدای مخصوص یا موجد و مسبب یکی از عوامل و قوا و

حوادث طبیعی بعقیده بعضی از ملل قدیمه

رَعِيَّتٌ : عامّه* مردم — قوم — ملت و گروه وعده‌ای که تحت حکومت

واحدی باشند (جمع : رَعَايَا)

رُوحِي لِرَشْحَاتِ دَمِهِمْ اَلَا طَهَّرْتَهُمْ : روح من فدای رشحات خون پاک

ایشان باد

رَيَّانٌ — رَيَّانَةٌ : سیراب — تروتازه — شاداب و سرسبز

سَمَاوِيٌّ — سَمَاوِيَّةٌ : آسمانی

سَحَابٌ : ابر (جمع : سَحَابٌ)

سَعَايَتٌ : سخن چینی کردن — بدگویی کردن

شَمُولٌ : شامل گردیدن — دربرگرفتن — همراهی فرارسیدن — شامل

عموم شدن

شَيْمٌ : طبیعت‌ها — خلق‌ها — خوی‌ها — عادت‌ها (مفرد : شَيْمَةٌ)

صَغْرٌ : کوچکی — خرد سالی

صَرِيحٌ : روشن و آشکار — خالص — پاکیزه

صَلْبٌ : وُلْدٌ — پشت — مهره* پشت — سخت — شدید — حَسَبٌ و

نَسَبٌ

صَلْبِيٌّ وَبَطْنِيٌّ : فرزندان که از پدر و مادر یکی باشند

صَلْوَةُ آيَاتٍ : نمازی که در حوادث آسمانی و زمینی از قبیل خسوف

و کسوف و زلزله و . . . قرائت می‌شود

طَرَّازٌ : نقش و زینت لباس — مجازاً زینت و زیور — طرز و طرح و اسلوب

طَائِفٌ : طواف کننده — شبگرد

طَلْعَاتٌ : چهره‌ها — وجوه — جلوه‌ها و ظهورات (مفرد : طَلْعَةٌ)

طَلْعَاتٌ مُقَدَّسَةٌ : مظاهر مقدسه الهیه میباشند .

عَدَمٌ : نیستی — فقدان — نابودی — مخالف وجود (جمع : اَعْدَامٌ)

عَسَاكِرٌ : لشکرها — سپاهیان (مفرد : عَسَاكِرٌ)

عَاصِيٌّ — عَاصِيَةٌ : نافرمان — سرکش — غیر مطیع (جمع : عَاصِيَةٌ)

عِنَادٌ : مخالفت و معارضا کردن — منحرف شدن از حق — دشمنی —

د انسته با حق مخالفت ورزیدن

عَرْشٌ : در معارف اسلامی منظور جایگاه خدا و مقام الهی است —

در معارف بهائی در مقامی هیكل مقدس مظاهر الهیه و در

مقامی امرالله و "ذات و نفس مظهر الهی" و در مقامی قلب

انسان است و معانی دیگر نیز دارد .

عَلَيْهِذَا : بنابراین

عُصْنٌ : شاخه* اصلی که از تنه جدا میشود — در شریعت بهائی بر

هریک از اولاد ذُكُورِ حضرت بهاء الله اطلاق شده است

(جمع : اَعْصَانٌ)

عَمَام : ابرها (مفرد: عَمَامَة)

د مقامی مقصود هیکل انسانی مظهر امرالله و شوق و نوات بشری ایشان است و آنچه مانند تغییر احکام که مخالف اُمیال و انتظارات مردم باشد زیرا مانند ابرمانع دیدن خورشید وجود مظاهر مقدس الهیه می گردد

عُمُوم : اندوهها — ستاره های کوچک و دور از دید (مفرد: عَمَم)

عَفُور : بسیار آمرزنده — بخشنده گناه

غَیْرُ مَوْحَد : کسی که به خدا ای یگانه معتقد نباشد

غَیْبَت : پشت سر شخصی بد گفتن — کلامی است که در غیاب شخص گفته شود که چون بگوشش رسد بدش آید — غِیَاب : حضورنداشتن

غَوَامِض : مسائل مبهم و پیچیده — امور مشکل (مفرد: غَامِض، غَامِضَة)

فُرْقَان : جدا کننده حق از باطل — حجت و برهان — ازالقاب قرآن

تورات — صبح و سحر

فَرَض : حکم واجب الهی — آنچه انسان بر خود واجب داند —

سنت

فُضُولَات : (مفرد: فُضُول) زیاد آمده — آنچه بی مصرف و بیفائده

باشد — دخالت در امری که از انسان خواسته نشده باشد

آنچه از غنا کم زیاد آید و تقسیم نگردد .

فَطْرَت : سرشت — طبیعت — طینت و نهاد — آفرینش — دین —

عقل سلیم — سنت

قُیُوم : بی آغاز — قائم بذات — پاینده — بی نیاز — د ر آثار مبارکه

حضرت اَعْلَى و حضرت بهاء الله بحضرت بهاء الله اطلاق شده

است

قُطْب : مرکز — مَهْتَر و محور قوم — کسی که مد ا ر کارها بوجود اوست

هریک از د و انتهای محور کره زمین (جمع: اَقْطَاب)

قِیَمَة : بزرگواری — قیمتی — راست و درست — مَبِیْن حَقّ از باطل —

سرپرست

قَوْلُهُ جَلَّتْ عَظَمَتُهُ : (این) گفتار اوست که عظمتش جلیل باد

كُتِبَ عَلَيَّ كُلِّ ابٍ تَرْبِيَةً اَبْنِهِ وَبِنْتِهِ : بر هر پدری نوشته شد (حکم) تربیت

پسرود دخترش

كُور : دُور و گردش — وفور و کثرت و زیادت — د ر فلسفه هرد و روگردش

عالم وجود — (مدّت کوریهائی پانصد هزار سال ذکر شده)

لِقَاء : دیدار — ملاقات — روبروشدن

لَا تَقْنَطُوا : نومید مشوید

لَيْل : شب — از غروب خورشید تا طلوع

مَحْبُوس : زندانی — حبس شده

مَبْدَل : تغییر داده شده — تبدیل یافته

مَأْنُوس : اُنس گرفته — خو گرفته — آشنا و مألُوف

مُتَبَنِي : ساخته شده — بنا شده — مَبْنِي

مَأْوَى : پناهگاه

مَوْءُودٌ : محکم شده — استوار — تأکید شده — مقرر — ثبت شده
مُحْرِمٌ : به حریم رونده — داخل ماه حرام شونده — اجرام بسته —
 به کعبه یا هر حریم دیگر وارد شونده — حرام کننده — خوددار
مُرْكُوزٌ : محکم نشانده شده و جای گرفته — ثابت و برقرار شده — در
 داخل چیزی جای گرفته و مستقر شده
مُجْتَنِبٌ : اجتناب کننده — پرهیز و دوری کننده
مُحْتَرِزٌ : احتراز کننده — دوری و پرهیز کننده
مُعَلِّمٌ : تعلیم گیرنده — آموزنده — مَحْضَلٌ
مُسْتَوْلِيٌّ : غلبه کننده — جیره شونده — مسلط به غایت رسنده
مَذْمُومٌ : نکوهیده — بد و زشت — مذمت کرده شده
مُزِينٌ : آراسته — زینت داده شده — خوب و زیبا شده
مُشْرِقِ اَذْكَارٍ : محل اشراق آذیه و اذکار — معبد بهائی که محل
 عبادت و مناجات و ذکر خداوند است (جمع: مَشَارِقُ
 الاذکار)
مَسْدَرٌ : محل صدور — سرچشمه — جای بازگشتن — بازگشتن —
 منتهی شدن
مُطَهَّرٌ : تطهیر شده — پاک شده — پاک و پاکیزه — علاج گردیده
 (جمع: مَطَهَّرَاتٌ)
مُتَّاهِرٌ : محل های ظهور (مفرد: مَطَهَّرٌ)
 مظاهر قدس و مظاهر مقدسه الهیه : پیغمبران

مُصَارِفٌ : در فارسی جمع مصرف و بمعنای محل های خرج و هزینه ها
مُعْجِزٌ : فصیح و بلیغ اداء کننده (کلام را) — (در نهایت بلاغت) —
 عاجز کننده
مُعَاصِيٌّ : نافرمانیها — تَخَلُّفٌ ها — خطایا — گناهان (مفرد: مَعْصِيَةٌ)
مَقَرٌّ : محل استقرار — محل قرار و اقامت — جایگاه
مُعْطُوفٌ : عطف شده — کلمه ای که بکلمه دیگر عطف گردیده — مُتَمَّائِلٌ
 مورد عطوفت و مهربانی واقع شده
مَوْتٌ : مرگ — هلاک
مُنَاهِيٌّ : نهی شده ها — کارهایی که خداوند آنها را نهی فرموده —
 اعمال خلاف شرع
مُنْجِرٌ : منتهی، کشیده شده
مُمْتَنِعٌ : مقتدر و قوی — مشکل و سخت از نظر وصول — مرتفع — بلند
 مرتبه — بازدارنده — اِمْتِنَاعٌ کننده — در فلسفه چیزی که
 عده مشرکین در خارج ضروری باشد یا غیر قابل وجود
مَوَاضِعٌ ، مَوْضُوعَاتٌ : جمع مَوْضُوعٌ : علم مورد بحث ، مطلب
مَوَاضِعٌ : مَوْضِعٌ ها — محل های وضع و نهادن — مکانها — جاها
 (مفرد: مَوْضِعٌ)
مُكْرَمٌ : مُعَظَّمٌ — شریف — کریم و بزرگوار — مورد تکریم
نِحْلٌ : مذاهب — ادیان — تبرعات (مفرد: نِحْلَةٌ)

نَبُوتٌ : (د ر فارسی پیشگوئی مُصْطَلَح است) اخبار از خدا — رسالت
 الهی — آوردن وحی الهی و هدایت خلق — پیغمبری
 نَفْحَات : نسیم‌های خوش — بوی‌های خوش — عطایا (مفرد: نَفْحَه)
 نَفْس نَارِي : نَفْس یا مَحْرُکِی است که انسان را بکارهای بد اِغْوَاء میکند
 و اَهِیَه : ضعیف — د ر فارسی بمعنای سست بی بنیاد و بی اساس
 وَثَنِي : بت پرست — وَثَن : بت جمع : اَوْثَان

وحدت وجود : عقیده‌ای دربارهٔ عوالم حق و خلق که مخلوقات را
 ظاهراً حق میدانند در حالی که انبیاء صادقین را حق
 میدانند مانند اشعهٔ صاد ره از خورشید .

به صفحات ۲۱۴ تا ۲۱۸ مفاوضات رجوع نمائید

وِثَاق : موافقت و همراهی — سازگاری و همکاری و همفکری — اتفاق
 د ر رأی و عمل — قبول و رضایت

وَرَق : برگ درخت — کاغذ — پول و مال — بهجت و حُسنِ جمال
 (جمع : اَوْرَاق — وِراق)

وَعْدٌ : نوید دادن — وعده دادن (بد یا خوب) وعده — تعهد
 وَعِيدٌ : تهدید — انداز کردن و بیم دادن — وعدهٔ عذاب و عقاب
 بد دادن

هَاطِلٌ : ریزان — باران شدید که پی در پی بیارد (جمع: هُطَل)
 يَا اَبَا الْفَضَائِلِ وَاوِيهِ وَاخِيهِ : ای کسی که پدر، مادر و برادر رضیلتها

هستی

یَوْمٌ : روز (از طلوع تا غروب) — یک شبانه روز — عصر و زمان — عصر
 حاضر (جمع : اَيَّام)

اعلام جزوه شماره ۲۱

ازمیر: یکی از بناد مهمه ترکیه در ساحل دریای اژه که در صدر
 مسیحیت از مراکز عمد ه بود ه است

اسکندریه: بند مهم مصر در ساحل مدیترانه که در قرن چهارم قبل
 از میلاد بوسیله اسکندر مقدونی بنیان گردید و از مراکز علوم شد و در
 طول تاریخ مکرر جزه مستعمرات کارتاژ — رم — اعراب — عثمانی
 فرانسه و انگلستان در آمد .

ابوالحسن (حاجی امین): حاجی ابوالحسن اردکانی ملقب به
 حاجی امین دومین امین حقوق الله بودند .

ابوالفضائل: جناب آقامیرزا ابوالفضل گلپایگانی متولد ۱۲۶۰ —
 هجری در گلپایگان تحصیل کرده اصفهان — مدرس در رسته
 حکیم هاشم در طهران که بشرف ایمان فائز و از اجله علمای گردیدند و
 مکرر در طهران و همدان مسجون و مأخوذ شدند و در سال ۱۳۳۲
 در قاهره صعود کردند . از جمله کتب و رسائل ایشان فصل الخطاب
 فرائد — برهان لامع . . . و مجموعه الرسائل است .

الکساندر دوم: (۱۸۸۱ — ۱۸۱۸) مشاور الهی بزرگترین فرزند
 نیکلای اول است . در سنه ۱۸۸۱ بدست یکنفر نیهلیست در ریترز

"خطابات قلم اعلیٰ"

بورگ مقتول گشت .

رَبِّنِ ذِيئِبْ : لَقَّبَ شَيْخَ مُحَمَّدٍ تَقِيَّ مَجْتَهِدِ اَصْفَهَانِي مَعْرُوفٍ بِهٖ اَقْبَا
 نَجْفِيٍّ اَسْتَكْبَدَ رَمَعِيَّتِ پِدْرَشَن شَيْخِ مُحَمَّدٍ بِاَقْر (ذِيئِبْ) وَاِمَامِ جَمْعَهُ
 اَصْفَهَانَ (مِيْرَسِيْدِ مُحَمَّدِ حُسَيْنِ مَلَقَّبِ بِهٖ رَقْشَاءً) بِاعْتِ شَهَادَاتِ هَاوِ
 مَطْلَمِ بَسِيَارِ اَزْجَمَلَهٗ شَهَادَاتِ حَضْرَاتِ سُلْطَانِ الشَّهْدَاءِ وَمَحْبُوْبِ
 الشَّهْدَاءِ وَمَلَاكَاطِمِ طَالُوْنَچِهٖ اَي وَاَشْرَفِ اَبَادِهٖ اَي گَرْدِيْدِ . لَوْحِ
 رَابِّنِ ذِيئِبْ يَا لَوْحِ شَيْخِ اَزْاَثَارِ قَبِيَّهٖ السَّيِّدِيَّ اَسْتَكْبَدَ وِسَالِ قَبْلَ اَزْ
 صَعُوْدِ دَرْخَطَابِ بِهٖ اَبِّنِ ذِيئِبْ اَزْ قَلَمِ حَقِّ نَازِلِ گَرْدِيْدِ وَحَاوِي مَطَالِبِ
 مَهْمَهٗ عَمُوْمِيَهٗ مُتَعَدِّدَهٗ مِيْبَاشَدِ .

پاپ پی نهم : مُشَارِكِيَهٗ دَوِسْتِ وِپَنجَاهِ وَنَهْمِيْنِ پَپِ اَعَالِمِ مَسِيْحِي
 اَسْتَكْبَدَ رَسَالِ بَعْدِ اَزْ اَعْلَانِ اَمْرِ حَضْرَتِ اَعْلِيِّ بَرْتَخْتِ خِلَافَتِ مَسِيْحِ
 تَكْوِيْدِ (۱۸۷۸-۱۸۴۶) وِبَالَا خَرَهٗ مَغْلُوْبِ قَدْرَتِ وِيكْتُوْرَا مَانُوْئِيْلِ
 پَادِشَاهِ اِيْطَالِيَا گَرْدِيْدِ وِبَاكَمَالِ ذَلَّتِ وَخَوَاْرِي وَحَقَارَتِ دَرْگَزْدَشْتِ .
 (خطابات قلم اعلیٰ)

دَانِيَالِ نَبِيِّ : اَزْ اَنْبِيَايِ اَعَاظِمِ بَنِيْ اِسْرَائِيْلِ اَسْتَكْبَدَ بِهٖ بَابِلِ
 بَرْدِهٗ شَدَّ وِلِي دَرْدَرِ بَارِ بَخْتِ اَلنَّصْرِ بَعَزَّتْ رَسِيْدِ وِدْرِدِ وِرْكَوْرَشِ هَمِّ كِهٖ
 بَابِلِ رَا فَتْحِ كَرْدِ ، بِا وَجُوْدِ سَمَاعِيَّتِ دِيْگَرَانِ زَنْدَهٗ مَانَدِ . صَحِيْفَهٗ اَوِ
 يَكِي اَزْ ۳ رَسَالَهٗ وَصَحِيْفَهٗ عَهْدِ عَتِيْقِ اَسْتَكْبَدَ وِدْرَانِ بَشَارَتِ بظَهْرِ
 خَبَارِكِ دَادَهٗ شَدَّ هَا اَسْتَكْبَدَ .

حاج : مَرْكَزِ رُوْحَانِي وَاَدَارِي جَامِعَهٗ جِهَانِي بَهَائِي نَامِ قَدَمِشِ حَيْفُو

بمعنای شهر دامنه کوه بوده است .

حاج محمد اسمعیل ذبیح کاشانی : برادر تنی جناب میرزا جانی
 (پریا) ، از موافقین اولیه عهد اعلیٰ و از عشاق جمال اقدس ابهی
 که در لوح رئیس نامش مسطور است و بلقب آنیس منعوت و سوره الذبیح
 نیز باعزاز وی نازل شده است .

سید محمد اصفهانی (دجال) : در مد رسه صدر اصفهان درس -
 میخواند و بای شد و بعد متزلزل گردید و چون بسیار حسود و مغرض
 و بد طینت بود ، از همان ابتدا بر عظمت حضرت بهاء الله رشک برد و
 باغوا ی یحیی ازل پرداخت و در بغداد وادرنه و عکا فتنه ای نماند
 که ایجاد نمود و خیانت و خیانت و تحریک و دسیسه ای نماند که انجام
 نداد وی در عکا مقتول شد . دجال در نبوات مسیحی و اسلامی
 شخصی است پرنریب و مگار که از خراسان یا کوفه یا اصفهان در زمان
 ظهور موعود ظاهر میشود و بر خری سوار است و آذوقه بسیار دارد و
 جمعی با او میگردند ولی آخر الامر کشته میشود . در این ظهور اعظم
 دجال لقب سید محمد اصفهانی است و در ربیان حاجی میرزا
 آغاسی بود .

حاج سید جواد کربلائی : نوه آقا سید مهدی بحر العلوم و بیست
 و چهارمین خلف حضرت امام زین العابدین بودند . جناب ایشان
 محضر نورین نیرین حضرات شیخ و سید راد رک نموده و مدتی در
 هندوستان اقامت کرده و در معقول و منقول متبحر گشتند تا در سفر

جناب ملاعلی بسطامی به کربلا، به نعمت ایمان به حضرت ربّ اعلی و بعد بِشَرَفِ ایمان و زیارت حضرت بها^۱ اللّهُ مُشَرَّفَ گشتند و عمر شریف را بخد مت و استقامت سپری فرمودند تا در کرمان از این خاکدان بملکوت رَحْمَان صعود نمودند .

حاج عبدالمجید نیشابوری : (أَبَايَدِ بَيْع) : پد رجناب بد بیع که خود از اَعَاظِمِ بَابِیّه و از اصحاب جناب بَابِ لِيَابِ و از بَقِيَةِ السَّيْفِ طبرسی بودند و بعد به زیارت حضرت بها^۱ اللّهُ رَعَا فَاغْرُوا خِرًا لَمَرْدِ رَمَشَهْدِ د رنهایت مظلومیت و شهامت بشرف شهادت کَبْرِي فَاغْرُوا و باز روی خود رسیدند .

بیت عبود : حضرت بها^۱ اللّهُ بعد از خروج از قَشْلِه عسکریه رد اخل قلعه عکا بعدتی قریب یکسال در ۳ خانه پست و محقر: بیت مالک و بیت منصور خَوَام و بیت رابعه اقامت فرمودند و بعد بخانه عودی - خمار که شخصی مسیحی و مارونی بود نقل مکان فرمودند . در سال بعد الیاس عبود که پد رزن براد رعودی خمار بود حاضر شد که خانه خود را که تقریباً "چسبیده به منزل عودی خمار بود در اختیار عائله مبارکه قرار دهد . حالیه جمع این د و خانه را بیت عبود میگویند . حضرت بها^۱ اللّهُ از ۱۸۷۱ تا ۱۸۷۸ در این د و خانه محبوس بودند و کتاب مستطاب اقدس در ۱۸۷۳ در خانه اول (عودی خمار) نازل گردید . فرانسوا ژوزف : امپراطور اطریش (نمسه) و پاد شاه مجارستان است که از ۱۸۴۸ تا ۱۹۱۶ سلطنت کرد در رآخ حیات د چار مصائب شدیده

متنوعه گردید و اطریش پس از جنگ بین الملل اول به چند قطعه تقسیم و سلطنت هم از خانواده اویگلی خارج گردید . وی در سفری که برای افتتاح کانال سوئز بمصر رفت از آنجا سفری باراضی مقدسه نمود و زیارت اورشلیم عزیمت کرد و با آنکه آواز عظمت و مظلومیت جمال اقدس ابهی در آن حد و اقالیم منتشر بود در باره این موضوع تحقیقی نکرد و اقداسی ننمود و جمال مبارک وی را در کتاب اقدس مورد ملامت قرار دادند .

قَشْلِه عَسْکَرِيه : سربازخانه د اخل عکا بود که از پد و ورود حضرت بها^۱ اللّهُ به عکا حد و در سال محبس حضرت بها^۱ اللّهُ جَلَّ كَبْرِيَا و عائله مبارکه و اصحاب واقع گردید .

عُصْنُ اللّهِ الْأَطْهَرِ : از اَقْتِرَانِ حضرت بها^۱ اللّهُ و آسیه خانم هفت فرزند بوجود آمدند : ۱ - کاظم ۲ - (نامش معلوم نشده) ۳ - حضرت - عبدالبها^۱ (عبّاس) ۴ - علی محمد ۵ - فاطمه خانم (حضرت و رَقَّة علیا) ۶ - علی محمد ۷ - میرزا مهدی (عُصْنُ اللّهِ الْأَطْهَرِ) ایشان در سال ۱۲۶۶ (سال شهادت حضرت اعلی) متولد شدند و جز در سفر بغداد و سلیمانیه در بقیه اسفار و سجن ها و مصائب و بلا یا شریک اَب عَظِيمِ الشَّانِ خویش حضرت بها^۱ اللّهُ بودند و در سجن عکا هم کِتَابَتِ وَحِي میفرمودند و واقعه شهادت ایشان در رَقَشْلِه عَسْکَرِيه بوقوع پیوست .

قصیده رَشْحِ عَمَّا : این قصیده از اولین آثار حضرت بها^۱ اللّهُ نازله

د رسال آخراقامت مبارک د رطهران واحتمالا" د رسجن سیاہ چال
میباشد .

لِيَمَان : مَحَلِّي وَمَحَبْسِي د رقلعه عکا بود که سه روز حضرت عبدالبهاء
را بامر صبحی پاشا حاکم عکا ، د ر آنجا محبوس نمودند .

ناپلئون سوم : (۱۸۷۳ - ۱۸۰۸) پادشاه فرانسه که د رسال -
۱۸۵۲ خود را امپراطور نامید . لوح اول الهی خطاب بنا مبرده
د راد رنه از قلم اعلی نازل و بوسیله سفیر فرانسه برای وی ارسال گردید
لوح دوم د ر قشله عسکریه توسط قنصل فرانسه ارسال شد . طولی
نکشید که اندازات الهیه د ر باره وی بوقوع پیوست و د ر ۱۸۷۰ د وره
امپراطوری^{وی} خاتمه یافت و مخدول و محبوس گردید .

گویند وقتی که لوح اول جمال قدم به ناپلئون سوم رسید آن سلطان
محرور لوح الهی را د و ر انداخت و گفت : "اگر این شخص خداست
من د و خدا هستم" ترجمه - لوح ثانی به فرانسه ترجمه گردید و
قنصل فرانسه پس از مشاهده ظهور اندازات الهیه د ر آن لوح بامر
مبارک اقبال نمود . "گنج شایگان" -

و اولهلم اول : (۱۸۸۸ - ۱۷۹۷) امپراطور آلمان و پادشاه پروس بود که
د ر خطاب و انداز حق واقع شد و بعد خود امپراطور د و باره مورد سوء
ظن د واقع گردید و نبرزندش فرد ریک سوم سه ماه پس از آغاز سلطنت مُرد و
پادشاه ویلیام د و م که د ر ابتدا د ر جنگها فاتح بود بَعَثَةُ شکست خورد و
خوردش و سپس ولیعهدش فراری شدند و د و مان سلطنتی ایشان

مُنْقَرِضُ گردید و آلمان جمهوری شد .

ملکه ویکتوریا : (۱۹۰۱ - ۱۸۱۹) ملکه مقتدر انگلستان است که
از قلم الهی لوحی خطاب بوی نازل گردید که بدستش رسید و بی
حُرْمَتی ننمود .

" حضرت ولی امر الله جَلَّ سُلْطَانُهُ د ر توقيح منيع روز موعود چنین
فرموده اند : روایت کرده اند که چون ملکه انگلستان لوح مبارک را که
باعزاز او ارسال شده بود تلاوت کرد اظهار داشت چنانچه ندا و
دعوت من جَانِبِ اللَّهِ است البته پیشرفت خواهد کرد د ر غیر این
صورت بهیچوجه ضرری وارد نخواهد آورد (توقیح روز موعود ص ۷۲
طبع هند) ؟

موسسه ملی مطبوعات امری

۱۳۱ بدیع